

نوشتِ اول

آنچه بر ما گذشته و آنچه می‌خواهد بر ما بگذرد شاید عینِ واقعه و یا حالتی باشد که پیش از این بر دیگران گذشته است. اگر به استعدادهای خود توجهی نکنیم گذشته‌ی دیگران همیشه در حالای ما اتفاق خواهد افتاد و خودش را به ما نشان خواهد داد. به رخ خواهد کشید.

به گذشته که می‌اندیشیم در نمایی از حال‌مان به رنگ و بوی گذشته دچار می‌شویم. همان کاری را می‌کنیم که در گذشته اتفاق افتاده و ما، در ادامه‌ی زندگی خود به روشی خوی می‌گیریم که شبیه گذشته است اما با ادا و صدایی دیگر. و به یادمان نمی‌آید کاری کنیم تا شکل گذشته را بنا به نیازهای امروزمان به شکلی دیگر و به زبانی دیگر که زبان و شکل امروز است رقم بزنیم. این‌طور عادت کرده‌ایم. همیشه همین‌طور بوده است. اما با این عادت، با این عادت‌های همیشگی اگر بخواهیم به خودمان برسیم و خودمان را ادامه دهیم به چیزی نخواهیم رسید. به ادامه‌ی خودمان نمی‌رسیم. ادامه‌ی ما گذشته دیگران می‌شود و گذشته‌ی دیگران واقعیت حالای ما نیست. گذشته فقط می‌تواند سایه‌ای باشد برای حالای‌مان.

اگر شهامت داشته باشیم تا شکل زندگی امروزمان را با نگاه به گذشته‌ی خودمان به شکلی دیگر بسازیم، در این شکل دیگر که با گذشته متفاوت است، شبیه به شکل خودمان می‌شویم. از چگونه غذا خوردن، چطور لباس پوشیدن، چطور راه رفتن و چطور حرف زدن گرفته تا برسد به چگونه فکر کردن و نهایتاً به چگونه نوشتن.

با تغییراتی که در چگونه نوشتن خود می‌دهیم می‌توانیم چگونه بوده‌ایم را بگذاریم کنار برای تورق فردهای‌مان. چگونه نوشتن، امروز، در دنیای معاصر، مدام خودش را به رخ می‌کشد اما خیلی‌ها با سرهای به زمین خیره شده آن‌را نمی‌بینند. سعی نمی‌کنند آن‌را ببینند.

ما تنها امیدی که داریم و تنها دخالتی که می‌توانیم در زندگی‌مان داشته باشیم چگونه رسیدن به کلمه است. کلمه‌ای پنهان که وقتی پیدایش می‌کنیم پنهان‌مان می‌کند و یا آشکار. در هر دو حالت با آن کلمه به چیزی می‌رسیم که انتخاب خودمان بوده است و نه غیر. و انتخاب خودمان اگر با چشم باز و هوش بیدار باشد امروز ما را دیدنی و به یاد ماندنی خواهد کرد.